

خلیج فارس و نفت جهان

خشکسالی، بعد از هفت سال رونق



مصاحبه اختصاصی ماهنامه «اقتصاد ایران» با مهندس اکبر ترکان، معاون وزیر نفت

اقتصاد ایران: نظامی شدن خلیج فارس چه تأثیری بر آینده صنعت نفت جهان دارد و تنش‌های بین ایران و آمریکا، تا چه حد ممکن است به بروز درگیری در خلیج فارس بیانجامد؟

۶۰ درصد از مجموع هزار و ۲۰۰ میلیارد بشکه ذخایر نفتی جهان - تقریباً ۷۲۰ میلیارد بشکه - در اختیار پنج کشور حوزه خلیج فارس قرار دارد. این در حالی است که از این پنج کشور، دو کشور عراق و کویت در اشغال نظامی آمریکا هستند. عربستان سعودی نیز - چه در خشکی و چه در دریا - پایگاه نظامی ایالات متحده است و کشورهای امارات هم در حوزه سیاست خارجی انگلستان می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که آمریکا نه برای ایجاد صلح و ثبات در منطقه، بلکه برای مدیریت منابع نفتی جهان و کنترل منابع رقبای خود وارد منطقه شده است.

ارزیابی آمریکایی‌ها این است که انرژی در قرن ۲۱ تکلیف رقابت بین قطب‌های اقتصادی برجسته جهان را تعیین می‌کند. این موضوع از آن جهت حایز اهمیت است که صرف نظر از اتحادیه اروپا، مصرف نفت آمریکا و ژاپن در حد نسبتاً بالایی است و از طرفی، چهار قطب جدید برزیل، روسیه، هند و چین در شرف ظهور می‌باشند. در این رقابت جهانی، کشوری می‌تواند سرنوشت را رقم بزند که بر منابع انرژی تسلط داشته باشد. آمریکایی‌ها برای تصرف منابع انرژی به منطقه آمده‌اند و عناوینی نظیر صلح و ثبات در نظرشان به معنای مسلط شدن بر منابع نفتی جهان است. آمریکا هرچند در تصرف و تسلط یافتن بر کشورهای عرب منطقه خلیج فارس موفق بوده، ولی مهمترین مسأله اش ایران است.

نکته مهم این است که طمع به ایران باعث از دست رفتن دستاوردهای قبلی این کشور می‌شود و به همین علت است که آنها تاکنون از وارد شدن به فاز نظامی برضد ایران پرهیز کرده‌اند. لذا به نظر من آمریکا در دوره بوش - که مدعی استفاده از اقدام نظامی بود - دریافت که اقدام نظامی، موجب از دست رفتن اقتدار آمریکا در کویت، عراق و عربستان می‌شود، لذا طبیعی است که اوپاما استراتژی‌هایی با رویکرد غیرنظامی را در پیش بگیرد.

اقتصاد ایران: نقش کشورهای عرب منطقه در روابط ایران و آمریکا چگونه است؟

همسایگان عرب ما که طی ۳۰ سال حاکمیت انقلاب اسلامی، همسایگی ما را تجربه کرده‌اند،

می‌دانند که ما به عنوان همسایه برای آنها ضرر و خسارتی نداشته و نداریم. هر چند اعراب در جنگ علیه ما از عراق حمایت مالی کردند و خود آنها بودند که پای آمریکا را به منطقه گشودند، ولی خوب می‌دانند که ایران همیشه همسایه آنها بوده و همیشه هم همسایه آنها خواهد ماند و این همسایه بودن چیزی نیست که با ورود و خروج ناوهای آمریکایی به منطقه از بین برود. تاکنون هیچ تهدیدی از سوی ایران متوجه کشورهای عربی همسایه نبوده، ولی طبیعی است در صورتی که هر کدام از همسایگان ایران در تهدید و اقدام نظامی علیه ایران با دیگران همکاری کنند، دیگر ما آن را همسایه دوست و بی‌خطر خود تلقی نمی‌کنیم. لذا کسانی باید نگران باشند که قصد همکاری در یک اقدام نظامی علیه ایران را در سر بپروانند که من بعید می‌دانم اعراب دست به چنین کاری بزنند.

اقتصاد ایران: با توجه به این که آمریکا نسبت به اتحادیه اروپا که ۵۶ درصد و ژاپن که ۸۰ درصد از نفت مورد نیاز خود را از خلیج فارس تأمین می‌کنند، وابستگی کمتری به نفت خاورمیانه دارد، آیا می‌تواند با پیگیری سیاست‌های نظامی، امنیت انرژی خود و متحدانش را تضمین کند؟

نکته اساسی این است که عرضه و تقاضای جهانی نفت در یک بازار صورت می‌گیرد و این که کشورها نفت خود را از کجا تأمین می‌کنند، اهمیت زیادی ندارد. چراکه این بازارها به هم پیوسته بوده و هر تولیدکننده‌ای در بازار سهم و نقش خودش را ایفا می‌کند. در عین حال، هر خریداری نیز نفت مورد نیاز خود را از بازار جهانی نفت تهیه می‌کند. بنابراین کشوری که امروز از عربستان نفت خریداری می‌کند، فردا ممکن است نفت مورد نیاز خود را از امارات و یا ایران تأمین نماید. بازار نفت، یک بازار پیوسته است که در آن عرضه و تقاضای کل اهمیت دارد، نه این که چه کسی از کجا می‌خرد. آمریکایی‌ها فکر می‌کنند که به عنوان یک ابر قدرت جهانی باید از این همه هزینه‌ای که در امور نظامی کرده‌اند، استفاده کنند. به اینجا آمده‌اند تا بر منابع نفت منطقه سلطه داشته باشند.

اقتصاد ایران: با توجه به تأثیرات بحران مالی بر جهان، چه چشم‌اندازی را برای صنعت نفت ایران و جهان پیش‌بینی می‌کنید؟

بازار نفت از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ هفت سال پُررونق

را پشت سر گذاشته، ولی اکنون دوره خشکسالی پس از رونق آغاز شده و قطعاً کشورهایی که اکنون با این بحران مواجه هستند، از ذخیره‌ای که در دوران پُررونق جمع‌آوری کرده‌اند، برای عبور از بحران فعلی استفاده می‌کنند تا دوران خشکسالی نفت را سپری کنند. این که این بحران چند سال به طول می‌انجامد، دقیقاً معلوم نیست و پیش‌بینی‌های متفاوتی در این خصوص صورت گرفته است، ولی دوران پُرردآمد، ذخایری را فراهم کرده که بتوان از دوران سخت کنونی عبور کرد.

اقتصاد ایران: آیا کاهش قیمت بر روی طرح‌های توسعه‌ای کشور در حوزه انرژی اثر داشته است؟

هنوز تأثیر چندانی بر اقتصاد کشور بر جای نگذاشته است. علت این بوده که ما هنوز از درآمدهای سال ۲۰۰۸ استفاده می‌کنیم که متوسط این درآمدها قبل از شروع بحران ارقام خوبی را نشان می‌دهد. این در حالی است که متوسط فروش نفت ایران در سال ۲۰۰۸ رقم قابل قبولی بوده و در نتیجه، عوارض بحران مالی، هنوز آثار خود را در ایران نشان نداده و فشار بودجه‌ای را احساس نکرده‌ایم. البته فشار بودجه‌ای از سال آینده آغاز می‌شود، چراکه با کاهش قیمت نفت و تعهد کشورهای عضو آپک مبنی بر کاهش میزان تولید، درآمد کشورهای مذکور و به طور خاص ایران، روند نزولی را طی خواهد کرد. بنابراین، اثرات واقعی بحران نه فقط در صنعت نفت کشور، بلکه در کل بودجه سال آتی بروز خواهد کرد. لذا دولت مجبور خواهد شد تا حدی که بودجه اجازه می‌دهد، طرح‌های عمرانی خود را تعدیل کند.

اقتصاد ایران: برنامه صنعت نفت برای مقابله با اثرات بحران مالی در سال آینده چیست؟

اولویت با میدان گازی پارس جنوبی و سایر میداین مشترک نفتی و گازی است. بنابراین تحت هیچ شرایطی پروژه‌های مرتبط با پارس جنوبی و سایر میداین گازی و نفتی مشترک را متوقف نخواهیم کرد. سرمایه‌گذاری‌هایی نظیر سرمایه‌گذاری در پتروشیمی

و پالایشگاه‌ها را که باید به بخش خصوصی منتقل شوند، از دستور کار سرمایه‌گذاری‌های دولتی خارج می‌کنیم تا با آزاد شدن منابع، بیشتر بر روی صنایع بالادستی - تولید نفت و گاز - سرمایه‌گذاری کنیم. ناگزیر، سرمایه‌گذاری در حوزه پتروشیمی را به شدت کاهش می‌دهیم و سرمایه‌گذاری در پالایشگاه‌ها را در حد بهسازی پالایشگاه‌های موجود و احداث پالایشگاه‌های میعانات گازی محدود می‌کنیم. این حوزه‌ها و باقی امور را به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی واگذار می‌کنیم تا با آزادی عمل، بر تولید هرچه بیشتر نفت و گاز متمرکز شویم.

نتیجه‌گیری: آیا اضافه شدن مشکلات ناشی از بحران مالی جهان به تحریم‌هایی که از ناحیه آمریکا وجود دارد، مشکلی در پیشبرد این برنامه‌ها ایجاد نمی‌کند؟ قطعاً تحریم‌ها بر کشور بی‌تأثیر نبوده و فشار مضاعفی را بر ما اعمال کرده‌اند که این فشارها نیز

واقعیت این است که شرکت‌های ایرانی نمی‌توانند با سرعتی که خارجی‌ها کار می‌کردند، برنامه‌ها را پیش ببرند. با این وجود، اگرچه سرعت اجرای برخی پروژه‌ها کند شده، ولی همچنان در حال پیشرفت هستند.

نتیجه‌گیری: نظر شما راجع به همکاری با شرکت‌های روسی و چینی در شرایط تحریم چیست؟ آیا شرکت‌های روسی را با توجه به دیدگاهی که نسبت به آنها در جهان وجود دارد، شرکای توانمندی برای پیشبرد اهداف صنعت نفت ایران می‌بینید؟ روس‌ها در حوزه انرژی توانایی فنی و تکنولوژیکی لازم را دارند و از بزرگترین تولیدکنندگان گاز و نفت به شمار می‌آیند، اما این بدان معنا نیست که ما در این رابطه افراطی عمل کنیم. در مورد چینی‌ها هم باید همه جوانب را ارزیابی کرد؛ چراکه آنها ممکن است به اقتضای منافع خود وارد عمل شوند. ما باید با هوشیاری و بر اساس منافع نظام

اروپایی‌ها به این بازی، رو در رو قرار دادن ایران و روسیه برای حفظ منافع خودشان است. من معتقدم که همکاری ما با روسیه در بخش گاز، منافع دو کشور را تأمین خواهد کرد.

نتیجه‌گیری: ارزیابی شما راجع به عقیم ماندن مذاکرات خط لوله صلح چیست؟ آیا بروز تنش در روابط هند و پاکستان را می‌توان عامل اجرایی نشدن این پروژه برشمرد؟ تنش در روابط هند و پاکستان علت این تأخیر نبوده است. هند دغدغه مشکلات گازی‌اش را ندارد، بلکه در حال رفع مشکلات هسته‌ای خود است تا بتواند قرارداد هسته‌ای با آمریکا را امضا کند و برای تحقق بخشیدن به این امر، طی سال‌های اخیر، مرادواتش را با ایران افزایش داده است تا آمریکا را نسبت به امضای این قرارداد تحریک نماید. آنها از جو نامساعد کنونی، استفاده ابزاری می‌کنند. در حال حاضر، به این دلیل که هند عضو معاهده NPT نیست، این قرارداد در سنای آمریکا متوقف شده است. هرگاه سنا با انعقاد این قرارداد مخالفت می‌کند، هندی‌ها ضمن تشدید روابطشان با ایران، در صدد رفع مشکلاتشان در کنگره بر می‌آیند.

نتیجه‌گیری: یعنی در صورت تصویب قرارداد هسته‌ای هند در سنای آمریکا، ممکن است این کشور از مذاکرات سه جانبه عدول کند؟ بدیهی است که اولویت اول هند، تصویب قرارداد همکاری هسته‌ای است. ما هم با این پیش‌بینی، خط لوله مذکور را از پاکستان، دو شاخه طراحی کرده‌ایم که در این مسیر، یک شاخه خط مذکور به هند و شاخه دیگر نیز به چین منتهی خواهد شد؛ خطی که پیش از این IPI نام داشت و در حال حاضر به IPI تغییر نام پیدا کرده است.

نتیجه‌گیری: به عنوان آخرین سؤال، برنامه وزارت نفت برای جذب سرمایه‌های مورد نیاز حوزه نفت و گاز کشور چیست؟ با توجه به مشکلات ناشی از تحریم و کاهش قیمت نفت، آیا در سال آینده مشکلی در این خصوص پیش نخواهد آمد؟

ما برای استمرار تولید نفت باید سرمایه‌گذاری کنیم. در غیر این صورت، هر سال بخشی از درآمدان را از دست خواهیم داد. با این حال، اگر حتی سرمایه‌های مورد نیاز از خارج جذب نشوند، درآمدهای خود نفت برای تأمین سرمایه‌های لازم کفایت می‌کند. از طرفی، اگر اولین اولویت ما برای سرمایه‌گذاری در داخل کشور، سرمایه‌گذاری در حوزه صنعت نفت باشد، با حمایت مجلس و تداوم آن در سال‌های آتی مشکلی در آینده پیش نخواهد آمد.

نتیجه‌گیری: متشکریم. ■



برای ما گرفتاری‌هایی در پی داشته است، ولی ما قادر به مقابله با آنها هستیم و تا به امروز نیز موفق عمل کرده‌ایم. تحریم‌ها باعث کند شدن روند برخی از فعالیت‌ها و پروژه‌ها شده و ما را دچار صدمه و گرفتاری کرده‌اند، ولی هیچ کدام از پروژه‌های ما متوقف و زمین‌گیر نشده است.

نتیجه‌گیری: یعنی علی‌رغم این که شرکت‌های خارجی فعال در صنعت نفت ایران، در پی تحریم‌ها از کشورمان خارج شده‌اند، شرکت‌های ایرانی توانسته‌اند در پیشبرد برنامه‌های صنعت نفت کشورمان به خوبی ایفای نقش کنند؟

البته همه شرکت‌های خارجی ایران را ترک نکرده‌اند و برخی شرکت‌ها هنوز در حال انجام دادن فعالیت‌های خود هستند. هرچند این شرایط، فرصت بهتری را برای شرکت‌های ایرانی فراهم آورده است، ولی

اسلامی کشورمان اقدام کنیم. اگر صرف تیرگی روابط با آمریکا، به چینی‌ها تکیه کنیم، دچار مشکل خواهیم شد. به همان دلیل که آمریکا قابل اعتماد نیست، نباید به چینی‌ها هم تکیه کنیم.

نتیجه‌گیری: از آنجا که روس‌ها ما را در امر صادرات گاز، رقیب خود تلقی می‌کنند، آیا شما روسیه را به عنوان یک رقیب که به حوزه انرژی ما وارد شده است، نمی‌نگرید؟

عربستان در سازمان اُپک قدرت اول است و بقیه تابع این کشور هستند. حال، در اتحادیه گازی زمام امور در دست روسیه خواهد بود. آیا زیان ناشی از رهبری روسیه در حوزه گاز برای ما بیشتر است یا رهبری عربستان در صنعت نفت؟ به نظر من روسیه و ایران در بخش گاز منافع مشترکی دارند و ما باید در همین راستا با هم همکاری کنیم. علت وارد شدن